**کاظم نیکخواه**

**ملاحظه ای بر مقاله کنترل کارگری**

با درود

در شماره ٧٥٠ انترناسیونال مقاله ای بچاپ رسیده بود تحت عنوان "کارگران و سیاست کنترل کارگری" از علی جوادی که در نشریه کارگر کمونیست هم منتشر گردید. در آن مقاله در اشاره به سخنان یکی از فعالین شرکت نیشکر هفت تپه که گفته بود اگر به خواستمایمان جواب ندهید شرکت را بدست میگیریم، تاکید شده بود که بدلیل ناکار آمد بودن اعتصاب در کارخانجات ورشکسته، کارگران باید کنترل کارخانجات ورشکسته یا در حال تعطیل را بدست گیرند و مانع تعطیل آنها شوند. این اقدام بعنوان پاسخ "کارگری و کمونیستی" و "سیاست عمومی ما" که قاعدتا منظور حزب کمونیست کارگری است مورد تاکید قرار گرفته بود. و اسم آن را "کنترل کارگری" گذاشته بود. کنترل کارگری کل واحدهای تولیدی و نه فقط آنها که در حال تعطیلند، یک بحث مهم و قدیمی در جنبش کارگری است و مربوط به دوره های انقلابی و گذار است و درکهای مختلفی در مورد آن وجود دارد که اینجا مورد بحث من نیست. اما این نوع کنترل کارگری که در این نوشته تاکید شده یعنی بدست گرفتن مدیریت کارخانجات ورشکسته و در حال تعطیل و اداره آن توسط کارگران آن هم در زمانی که هنوز جمهوری اسلامی بر اقتصاد حاکم است نباید فراخوان حزب ما باشد. من متوجه دغدغه رفیق علی جوادی در مورد بیکار شدن هزاران کارگر در اثر تعطیل کارخانجات مختلف در جمهوری اسلامی هستم. اما فراخوان ما نباید این باشد که کارگران اداره کارخانجات در حال تعطیل را بدست گیرند. بلکه همانگونه که همیشه تاکید کرده ایم کارگران باید حکومت را مورد تعرض قرار دهند و بفرض با شعار "یا کار یا بیمه بیکاری" که شعار درست کارگری است و اعتراضات و مبارزات و خواستهای رادیکال دیگر با بیکارسازیها مقابله کنند. حتی اشغال کارخانه هم در جریان این مبارزات و بعنوان شکلی از مبارزه در مواردی کاملا درست و بجاست. اگر کارگر این قدرت را دارد که کارخانه را اشغال کند این قدرت را هم دارد که به تجمع و اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی و غیره دست بزند و حقوق خودرا بگیرد. کاری که الان خیلی جاها کارگران دارند انجام میدهند.

تاکید کنم که ما قطعا هرجا کارگران کارخانه ای را چه ورشکسته چه غیر ورشکسته اشغال میکنند باید از آنها حمایت کنیم. چون بدون هیچ تردیدی حق دارند. اما اتفاقا اگر کارگران احیانا به فکر اداره کارخانجات ورشکسته و جلوگیری از تعطیل ان هستند باید به آنها بگوییم که این به زیان آنهاست. باید مثل کارگران کمباین سازی تبریز که همین ماه گذشته کارخانه را اشغال کردند و با فروش ضایعات کارخانه طلبهای خودرا نقد کردند، در فکر اداره و مدیریت کارخانه ورشکسته نباشند بلکه حقوق خودرا طلب کنند. باید طلبهایشان را نقد کنند و مسئولیت اداره کارخانه و واحد معین را به عهده خود نگیرند. چون مدیریت کارخانه های ورشکسته به کمک به اقتصاد موجود یعنی گرفتن زیر بال اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی تبدیل میشود. بعلاوه درگیر شدن کارگران در مسائل حقوقی و مالی اداره کارخانه و ناکامی در ادامه تولید و هزار مساله سیاسی دیگر باعث فرسودگی توده کارگران، دلسردی و پراکندگی آنها و شکست مبارزه آنها خواهد شد. ایرادات دیگری هم دارد که اینجا فرصت بحث در مورد آن نیست.

در مواردی مثل مورد نیشکر هفت تپه که کارگران بحث اشغال کارخانه را مطرح کرده اند یا همان کمباین سازی تبریز که آنرا عملی کردند، این یک اقدام درست و تعرض کارگران به کارفرما در اوضاع متحول سیاسی کنونی بوده است که مورد حمایت ما قرار گرفته است. این نوعی "عمل مستقیم کارگری" است و در کنار اعتصاب و راهپیمایی و شعار دادن و غیره، یک معنای سیاسی و مبارزاتی دارد. عمل مستقیم کارگری یک حرکت تعرضی و سیاسی است که در شرایط امروز جامعه معنی دارد و کارگران یا بخشهای مختلف مردم منتظر مقامات و کارفرمایان نمیمانند و خواستشان را خود بدست خود عملی میکنند. مثل بی حجاب به خیابان آمدن دختران بدون اینکه منتظر تغییر قانون حجاب باشند. روشن است که عمل مستقیم کارگری مبارزات را تعرضی تر میکند و بسیار جلوتر میبرد. برای نمونه کارگران کارخانه را اشغال میکنند که طلبهای خودرا با عمل مستقیم خود بگیرند نه اینکه بخواهند کارخانه را اداره کنند و از تعطیل آن جلوگیری کنند. استخراج سیاست و استراتژی "کنترل کارگری" از آن و بویژه در مورد کارخانجات در حال تعطیل میتواند زیان بار باشد و باید در این مورد سنجیده تر عمل کرد. در آخر این را تاکید کنم که کارگران حق دارند کنترل همه کارخانجات و نه ققط کارخانه های ورشکسته را بدست گیرند و در یک توازن قوای مناسب این را باید قطعا در دستور بگذارند.